

سالگرد خیزش خونین آبان؛ فقر و بی عدالتی زیر سایه حاکمیت سرکوبگر اوج گرفته است. راه رهایی کدام است؟

امیرجواهری لنگرودی

a.javaher99@gmail.com



اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ایران یا آبان خونین، مجموعه‌ای اعتراضات مردمی و ضدحکومتی در سراسر ایران بود که در نیمه‌شب ۲۴ آبان ۱۳۹۸، وقتی که شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران بدون اطلاع‌رسانی قبلی اعلام کرد که سهمیه‌بندی بنزین دوباره آغاز شده است؛ پس از انجام مجدد سهمیه‌بندی بنزین در ایران و افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین، آغاز شد. این اعتراضات که عمدتاً در محلات کارگری و فقیرنشین شهری متمرکز و در ابتدا مسالمت‌آمیز بود، ولی سپس نظام ایران و رهبران روحانی آن را هدف گرفت. براساس گزارش نهادهای

امنیتی ایران، ۲۹ استان و صدها شهر دستخوش ناآرامی‌های پس از افزایش قیمت بنزین بودند.

آنگاه که گستره‌ی صدای اعتراضات برخاست، دولت «تدبیر و امید» مدعی شد دریافتی یاد شده ربطی به کسری بودجه ندارد و فقط به تناسب میانگین افراد خانوار در اختیار ۶۰ میلیون نفر قرار می‌گیرد. بر این اساس، پیش از هر چیز آشکار می‌شود که در کشور بنا به نظر رسمی، تعداد ۶۰ میلیون نفر از ۸۴ میلیون جمعیت - مربوط به آن سال - (یعنی بیش از ۷۱ درصد) «نیازمند کمک» محسوب می‌شوند. و معلوم نیست چرا پیش از آن، همین دولت «تدبیر و امید» یارانه‌های پیشین ۷۰ درصد همین جمعیت را حذف کرده بود! و معلوم نیست چرا این تصمیم که به نفع مردم اعلام شد، از مردم پنهان نگه داشته شد. لابد برای این‌که مردم ذوق‌زده نشوند، چنانچه به خشم بیایند، تنها در ۱۵۰ تا ۲۰۰ شهر دست به اعتراض بزنند!

پرواضح است وقتی در آبان ۱۳۹۸، بنا به نظر رسمی تعداد ۶۰ میلیون نفر از ۸۴ میلیون جمعیت نیازمند کمک به حساب می‌آمد، امروز همان بخش میلیونی فقیر جامعه در چه وضعیتی به سر می‌برند؟

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در گزارشی با عنوان «تورم و راهکارهای مهار آن» اعلام کرد: «... میزان تورم در ایران در طی ۴۴ سال گذشته به‌طور میانگین حدود ۲۰ درصد بوده است؛ لذا در اقتصادهایی با تورم ۲۰ درصد، صحبت کردن از تولید، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... عملاً بیهوده و نامتعارف است. در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶ آمار جمعیت زیر خط فقر (فقر غذایی) بر اساس برآوردهای وزارت رفاه، در حدود ۱۸ میلیون نفر بوده، ولی به دلیل تورم و شوک‌های سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، این آمار به بیشتر از ۲۶ میلیون در انتهای سال ۱۳۹۸ رسیده

است. مطابق با آخرین آمار موجود، تا پایان سال ۱۴۰۰ در حدود ۳۲ میلیون نفر در زیر خط فقر (فقر غذایی که نام جدید و محترمانه‌ی سوءتغذیه است) قرار دارند و این روند همچنان به واسطه‌ی تورم شدید چند سال اخیر به سرعت در حال گسترش است. در چنین فضایی صحبت از اهداف سرمایه‌گذاری و تولید و همچنین کنترل فقر و نابرابری خیالی بیش نخواهد بود...» (۱)

در برابر افزایش تورم و گستره فقر در ایران، غلامرضا نوری قزلجه نماینده بستان‌آباد در واکنش به آمار و ارقام‌های ارائه‌شده دولت در حوزه اقتصادی می‌گوید: «مسئولان مدام می‌گویند تورم ۴۰ درصد است، این در حالی است که می‌بینیم تورم ۱۲۰ درصد است، پس چطور می‌گویند تورم ۴۰ درصد است؟ واقعیت امر همان است که در عمل اتفاق می‌افتد و بازی کردن با این اعداد و رقم‌ها چیزی نیست که بر مردم پوشیده باشد، چراکه مردم هر روز خرید می‌کنند و روزانه این مسائل را می‌بینند و کاش تصمیم‌گیران و کسانی که پست دارند، کمی در بیان آمارها دقت کنند که بی‌اعتمادی در جامعه بیشتر نشود.» (۲)

در ایران، ما شاهد سر برآوردن باستی‌هیلزها، هایپر مال‌ها، برج‌ها، شرکت‌های مولتی‌میلیاردی مال‌ها، سفرهای پرهزینه، خانه‌های اعیانی و میلیاردی پر و پیمان، انباشت‌های حیرت‌آور مالی، فسادهای پایان‌ناپذیر، بی‌اعتنایی‌ها و نابودی اخلاق همدلی و انسانیت در میان قدرت‌مداران هستیم. در مقابل، بخش عظیمی از توده بی‌چیز مردمان ما با رنج و تنگدستی خانوادگی کار کرده‌اند و با شرافت، در شرایطی که "احتضار فضیلت" بوده است، زیسته‌اند. اینان نسبت به گذشته مدام فقیرتر شده‌اند و شاهد ثروتمندتر شدن داراها بوده‌اند. همین توده فقر و فلاکت، همواره ستم دولتی و خصوصی را در عرصه اقتصاد و بحران واقعی اعتراض را در طی نزدیک به پنج دهه در همه‌ی عرصه‌ها تحمل

کرده‌اند. بار تحریم‌های نابکارانه امپریالیسم آمریکا و امروز به‌کارگیری «مکانیسم ماشه» به دوش این تنگ‌دستان افتاده است. اما همین مردم می‌بینند که آن اقلیت ناچیز بالای جامعه، چگونه مالک همه‌چیز شده‌اند و در بهشت روی زمین، فارغ از جهنم زندگی دیگران، در امنیت به سر می‌برند. هم اینان با انگیزه بازارگرایی‌های متعصبانه خویش، عاشق بازار و بخش خصوصی‌اند، فرزندان آنان پیمانکاری‌های رانتی بی‌حساب و کتاب مملکت را در دستان خویش دارند و در معیت دستگاه‌های امنیتی و سپاه و دستگاه قضایی در بهشت باستی‌هیلزها در خانه چندصد میلیاردی زندگی می‌کنند و لابد هنوز منتظر دوره وزارت خویش‌اند؛ هر چه تقصیر است متوجه «چپ‌ها»، «عدالت‌جویان» و «معترضان به سیاست تعدیل ساختاری» و جانبداران آزادی و برابری می‌دانند و همواره در پی شکار آنان‌اند!

در بازنگری به درس‌های جنبش آبان ۹۸، خیزشی که از دل فقر، نابرابری و خشم فرودستان برخاست و با گلوله پاسخ گرفت، به‌درستی دریابیم جنبش آبان نه مُرد و نه فراموش شد؛ آبان در حافظه‌ی جمعی مردم زنده است، در فریاد دادخواهی مادران، در اعتصاب کارگران و در مقاومت زنان و جوانان، دانشجویان آزادی‌خواه، معلمان و بازنشستگان جامعه ما همچنان تجلی می‌یابد!

آبان از دل فریاد نداشتن نان و آزادی تا تداوم آگاهی و مقاومت مردمی در برابر فقر، سرکوب و بی‌عدالتی از کوچه‌ای به کوچه دیگر، و از خیابانی به دیگر خیابان و از دل شهری به شهری دیگر سرایت کرد و پاسخ خود را با دستگیری و زندان و گلوله از جانب حاکمیت اسلامی دریافت.

آنچه در این جنبش خونین از جانب مردم به نمایش درآمد، آن‌چنان متنوع بوده که بی‌شمار تحرک اشکال مسالمت‌آمیز مبارزه را در

تاریخ اعتراضات کشور به نمایش گذاشت؛ از جمله: کمپین «نه به خرید بنزین»، خاموش کردن و توقف خودروها در خیابان‌ها، جاده‌ها و معابر، اعتصاب، بستن بازارها و مغازه‌ها در برخی شهرها، بستن جاده‌ها و خیابان‌ها با راهپیمایی، سنگ، خاک و روشن کردن آتش، نشستن در خیابان و سرودخوانی دسته‌جمعی، نشان دادن کیلومتر خودروها به نشانه حرکت ندادن آنها، انجام فعالیت‌های مختلف در خیابان‌های عاری از خودرو مانند فوتبال بازی کردن، والیبال بازی کردن، تخته‌نرد بازی کردن، قلیان کشیدن، سبزی پاک کردن، رقصیدن، یزله‌خوانی مردم عرب در خوزستان، خوابیدن در خیابان با کفن، دادن گل به مأموران و نیروهای انتظامی، سه‌چرخه‌سواری با سه‌چرخه کودکان، سردادن شعار: «۴۰ سال خون گریستیم/ بسه دیگه می‌ایستیم» و... از جمله این روش‌ها برای اعتراض مسالمت‌آمیز بود.

امروز در برابر گسترش فقر، تحرکات اعتراضات میدانی در خیابان‌ها و محیط کارخانه و چرخه تولید، شبخ آبان ماه ۱۳۹۸ همچنان در کوچه و پس‌کوچه‌ها و سنگ‌فرش خیابان‌های ایران در گردش است و مردم ما هستند که فریاد برمی‌آورند: «کشته ندادیم که سازش کنیم/ رهبر قاتل رو ستایش کنیم.» وحشت نظام و کارگزاران ریز و درشت آنان به چشم می‌آید.

به عبارتی، پرچم دو قطب مبارزه طبقاتی آبان ماه ۹۸ همچنان در چشم‌انداز رودررویی‌های نابرابر درون کشورمان ایران بدون وقفه در اهتزاز است. پاسش بداریم و به یاری‌اش بشتابیم و متحداً به سازمان‌یابی‌اش بیاندیشیم و به دفاع از موجودیت آن برآییم!

این شبخ بپاخاسته، هستی فاعل تاریخ کشورمان، یعنی اردوی پرشمار میلیونی کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی، زنان و جوانان دختر و پسری است که عمدتاً جمعیت حاشیه شهرها و رهاشده در چنبره بیکاری و دشواری‌های زندگی‌اند؛ یا کشاورز

تهیدست، پینه‌بسته به دستان، که در روستاهای ایران در طلب روزی‌اند و نزدیک به پنج دهه در کشاکش نابرابری‌های افزون‌شده بر سرشت ناکارآمد این حاکمیت روزگار می‌گذرانند؛ و امروز از دل انباشت‌شده تجربه خیزش دی‌ماه ۹۶ تا آبان ۹۸ و بعدتر از خیزش «زن، زندگی، آزادی» شهریور ۱۴۰۱، یعنی جنبش «ژینا» از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب تمامیت جغرافیای ایران را درنور دیده تا تمامیت این نظام را بریزد کشند و رد و نشان خود برجای نهند، از این‌رو فریاد برمی‌دارند: «مرگ بر دیکتاتور» یا «این همه سال خون گریستیم/ بسه دیگه می‌ایستیم.»

این شبخ همه نیروهای کهنه‌پوش حاکمیت سیاه مذهبی را در اتحادی «مقدس» برای عملی نامقدس یعنی تارومار کردن آن شبخ، متحد ساخته است. بر رأس این اتحاد نامقدس شخص ولی‌فقیه (خامنه‌ای) و در هرم پیرامون او قوای سه‌گانه ولی‌الامر یعنی (مجریه و مقننه و اختاپوس مافیای قضایی) جای گرفته‌اند که همه سرکوبگری‌ها را برای تاراندن این شبخ بسیج کرده‌اند تا ارکان جامعه را به وحشت اندازند و خود چند صباحی دیگر همچنان بر اریکه قدرت نشینند و به زندگی ننگین خود ادامه دهند.

در این میان، باید دید و گفت: قیام مردم و نیروهای مردمی که تجلی حضورش را از دی‌ماه ۹۶ به صدا درآورده بود، طی تمامی سال ۹۷ در دل اعتراضات و اعتصابات پرهزینه کارگری در جنوب کشور و اینجا و آنجا رخ نمود و به دشوارترین شکل سرکوب شد؛ ولی دیگر بار در روزهای پایانی آبان ماه ۱۳۹۸ همچنان بر فراز جامعه ما به مانند شبخی به پرواز درآمده است.

امروز نمایش گسترده اعدام‌ها و احکام سنگین زندان و موج دستگیری‌ها و احضارها، همه و همه توسط حاکمیت قداره‌بند بی‌گمان با «شبح آبان» ماه و «جنبش ژینا» روزگار می‌گذرانند. دیکتاتورهای حاکم خود نیک می‌دانند؛ شبح را نمی‌توان خشکاند، به عقب‌نشینی کشاند. چراکه ایستادگی و پیکار همه‌سویه کارگران - دانشجویان - زنان - معلمان و بازنشستگان و اعتصاب غذای طولانی زنان در کارزار سه‌شنبه‌های «نه به اعدام» در زندان‌های سراسر ایران، به‌پاخاستن جنبش دادخواهی، چند دهه کشتار برای بازشناسی «جنایت علیه بشریت» نشان داد که این شبح مانند روحی سرگردان، همه‌جا هست و هیچ‌جا نیست و خود را در سطح شبکه‌های اجتماعی، در میادین خیابان‌ها و در کریدور دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها، در دل تجمع بازنشستگان مقابل مجلس و تحصن معلمان در مدارس و... اعتصاب غذای دانشگاه‌ها و حمایت وسیع مردم، در همه‌جا به نمایش می‌گذارند. امروز مردم جامعه ما صدور احکام طولانی‌مدت زندانیان سیاسی را بی‌اعتبار و ضدانسانی می‌شناسند. مردم ما نیک می‌دانند؛ صادرکنندگان آن از سر زبونی و عدم عقب‌نشینی جنبش اعتراضی و برای نوعی رعب و وحشت در برابر پیشروی مبارزات مردم، آن احکام را صادر می‌کنند و هیچ اعتباری ندارد. در این میان جنبش کارگری و آزادی‌خواهی ایران را نمی‌توان به سادگی به عقب‌نشینی واداشت!

امروز هر آزادی‌خواه و برابری‌طلبی در پهنه رودررویی‌ها با فریاد می‌گوید: تا شبح آبان بدین وسعت است، آبان ادامه دارد و مردم را سر تسلیم نیست؛ چرا که مردم جامعه ما دریافته‌اند و به حاکمیت هشدار می‌دهند: «سرکوب پایان راه نیست، مقاومت زندگی است.»

خیزش آبان‌ماه و به شکست کشانده شدن آن توسط حاکمیت خونبار اسلامی بار دیگر نشان داد که جنبش‌های اجتماعی ما را فرا می‌خوانند که دست به اقدامات وسیع و مؤثر و مشترک بزنیم! امروز همچون دیروز، فروریختن دیواره بلند دیکتاتوری آماسیده پیشین و موج سرکوب و وحشیگری حاکمیت اسلامی نیز محکوم به شکست است و رژیم را بیش از پیش شکننده‌تر خواهد کرد.

نیاز به اتحاد و همگرایی نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی و پیوندشان در راستای پاسخگویی به الزامات جنبش کارگری و توده‌ای بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. امروز نیاز به اتحاد و همگرایی و همپوشانی و همبستگی، در بطن رنسانس عظیم فکری موجود، ضرورت اتحاد در شرایطی که مردم رنج‌دیده کشورمان خود را برای سنگرکنی جدیدی آماده می‌شوند، همه نیروهای انقلابی را بر آن می‌دارد که بسیار جدی‌تر از گذشته در راستای نزدیکی به هم گام بردارند. باید با تمام توان کوشید تا به این نیاز و ضرورت و فریاد وحدت‌طلبانه توده‌های مردم در عمل اجتماعی پاسخ درخور داد.

امروز مهم این است که ما خانواده بزرگ چپ مارکسی به الزام طرح و نقشه خود به تنهایی نغلطیم و انحصارطلبی را پیشه نکنیم. تا حد زیادی به میزان تلاش و نگاه به کف اتحاد عمل‌هایمان بیاندیشیم و مبارزه مردم کشورمان را رها نسازیم و آن را به دست غیب نسپاریم و به عبارتی وظیفه‌مان را فراموش نکنیم.

آزادی و دموکراسی را در هیچ جای دنیا به مردم هدیه نمی‌دهند. تجربه تمام انقلابات و تحولات بشری تا به امروز نشان داده است که برای تحقق دموکراسی و دستیابی به آن باید جنگید!

این جنگ باید جنگ همه ما چپ‌ها و مردم آزاده‌ای باشد که برای دستیابی و استقرار دموکراسی و دستیابی به آزادی و حق

حاکمیت مردم به خود مردم و مبارزه آنان باور دارند و به هیچ قدرت از ما بهتری هم باور نداشته و ندارند؛ بلکه برعکس باید بدون هر سطح سازشکاری به درهم شکستن همه دستگاه‌های سرکوب نظام جمهوری اسلامی باور داشته باشند.

امروز راه‌هایی در پیوند و گسترش جنبش‌های مدنی و دموکراتیک در سطح جامعه خود را باز می‌یابد؛ برکشیدن این جنبش‌های میدانی از سطح مطالبات صنفی و پراکندگی کنونی، به سطح مداخله‌گری هدفمند و نظام‌مند سیاسی‌ست.

سال‌هاست گروه‌هایی از شریف‌ترین و مقاوم‌ترین فعالان صنفی و سندیکایی و اتحادیه‌ای کشور، بازنشستگان و پیشکسوتان اصناف و گروه‌های گوناگون، روز‌هایی مشخص به کف خیابان آمده و مطالبات خود را فریاد کشیده‌اند. در این راه همواره هزینه داده و متحمل سرکوب‌های خشن و زندان و شکنجه و آزارهای فراوان نیز شده‌اند؛ ولی هیچ گوش شنوایی در دل حاکمیت مستبد و حرامی نیست. این روند رو به فرسایش گذاشته و همین هدف حاکمیت بوده که با بی‌محلی، مطالبه‌گران را خسته و خانه‌نشین کند.

مسئله تورم و گرانی افسارگسیخته این روزها می‌تواند پل و پیوندی بین مطالبات گروه‌های گوناگون صنفی و اجتماعی - از دانش‌آموزان و معلمان، دانشجویان و استادان، تا بازنشستگان تأمین اجتماعی، فرهنگی، کشوری و لشکری - ایجاد کند و سمت و سوی مبارزات را به سوی اتحاد عملی سیاسی و مطالبه تغییرات بنیادی در سراسر کشور برکشد.

چنان‌که این نیروی عظیم اجتماعی کف خیابان که اکنون پراکنده‌اند، با روشنفکران و فعالان اجتماعی پایبند به دموکراسی و آزادی در داخل کشور که منفرد مانده‌اند پیوند یابند، می‌توانند راه‌حلی برای اعمال فشار جدی بر حاکمیت و عقب‌نشینی آن

بیایند. این راهحل می‌تواند از درون تأسیس یک نهاد سیاسی یا سازمانی مستقل فراگیر که قدرت سازماندهی و پیوند با بدنه اجتماعی را از طریق نیروی اعتراضات صنفی روزانه و فراگیر درمی‌یابد، تشکیل گردد...

نباید تردید داشت که دموکراسی موهبتی الهی نیست که طی یک روز آفتابی آن را بر سینی بگذارند و بر ما هدیه کنند؛ بلکه امری زمینی و دست‌یافتنی است و برای وصول و تحقق آن باید با دشمنان آزادی و دموکراسی جنگید و به این جنگ باور داشت!

منابع:

- (۱) خبرگزاری کار ایران- ایلنا، چند میلیون ایرانی زیر خط فقر هستند؟ ۲۷ آبان ۱۴۰۳
<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1557251>
- (۲) خبرگزاری کار ایران ایلنا، از خط فقر ۳۰ میلیون تومانی تا تورم ۱۲۰ درصدی/ شعار ندهید، کارگران نمی‌توانند یک آپارتمان ۴۰ متری اجاره کنند!، ۲۷ تیر ۱۴۰۲
<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1375823>